

ارمغان نوروز

● مهرداد وحدتی دانشمند



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پایمردی ارباب کیخسرو شاهرخ، بزرگ زرتشتیان و نماینده آنان در مجلس ایران به چاپ رسیده و در آن روزگار به بهای یک روپیه عرضه می شده است. از این بخش که صفحات ۲ تا ۱۵ کتاب بدان اختصاص یافته اطلاعاتی به شرح زیر به دست می آید: ۱- نوروز و اهمیت آن و پذیرش آن نزد اکثر مسلمانان. برگزاری مراسم نوروز نزد خلقای بغداد و حتی قبطیان مصر.

۲- شرح منابع اطلاعات راجع به نوروز بخصوص در میان نویسندگان عرب زبان که بیشتر آنان ایرانی تبار بودند و به خاطر اینکه زبان عربی زبان رایج در پهنه سرزمینهای اسلامی بود آثار خود را بدان زبان آورده اند که از جمله مشهورترین آنان بیرونی، قزوینی و دمشقی را می توان نام برد. البته معرفی کتاب المحاسن والاضداد جاحظ به دست و ن ولتن مستشرق هلندی به سال ۱۸۹۸ م. منبع اطلاعات مهمی را در اختیار گذارد هر چند علیرغم نظر وی انتساب کتاب به جاحظ محل تردید است و عده های این اثر را متعلق به بیهقی می دانند. با این

عثمان عمرو بن بحر بن محبوب جاحظ علامه بصری معاصر خلفای عباسی است) از زبان عربی به زبان فارسی خالص و ارائه برابرهایی متداول تر واژگان در فارسی آن روزگار که غالباً عربی است پرداخته است. ترجمه فارسی جمعاً هشت صفحه است و بر اساس امضای مترجم در بمبئی، گریت وسترن بیلدینگ فورث، شماره ۱۴۰ به پایان رسیده و در چاپخانه هور واقع در گوالیا دنک رود بمبئی نمره ۷ به چاپ رسیده است.

۳- ۲۴ صفحه مطالب انگلیسی کتاب از دو بخش تشکیل می شود:

الف - ترجمه انگلیسی بخش فارسی تحت عنوان:
NAWRUZ

CELEBRATION IN THE SASSANIAN
TIMES AS DESCRIBED BY KHOSROW

که نامی از مترجم در میان نیست. ب - بخش اصلی مطالب انگلیسی نقد و بررسی توصیف خسروی از نوروز ساسانیان است که به صورت پیوست آگاهینا مه ایران لیگ به قلم جی. ک. نریمان و به

در بخش ایران شناسی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تک نسخه ای از مختصر کتابی گران سنگ به قطع وزیری با جلد چرمی وجود دارد که زخم گذر سال و ماه به خوبی بر پیکر نحیف آن نمایان است. روی صفحه عنوان کتاب تاریخ ۱۳۰۸ و سال یزدگردی ۱۲۹۸ با مهر کتابخانه پهلوی به شماره ۲۱۰۱ به چشم می خورد.

کتاب از قسمتهایی به شرح ذیل تشکیل می شود:
۱- دیباچه به قلم م. ع. مازندی.

۲- ارمغان نوروز (در خوبیهای نوروز) که آقای مازندی «چون خسروی در زبان پهلوی ماهرو تاریخش از خدای نامه که به زبان پهلویست نوشته شده است و کاملاً از حال ایران قدیم مسبوق و بسیاری از کلمات فارسی که یا معرب شده و یا از میان رفته به همان طوری که در زبان پهلوی استعمال می شده در تاریخ خود آورده و کلمات مستعمله در دین زرتشت را بدون تغییر به کار برده است» به ترجمه مطلب از کتاب المحاسن والاضداد (که منسوب به مورخ شهیر اسی



حال شرح نوروز مندرج در کتاب مذکور به دست ایرانی تباری به نام عیسی بن موسی صورت گرفته که اعراب او را الخسروی می نامند.

۳- به گفته کلمنت هوارت نوروز نزد ترکان نیز جشنی بزرگ بود و سغدیان آنرا «نوسرد» به معنای سال نو می نامیدند و به روش مرسوم به دوستان و بستگان خود شیرینی می دادند و به همین علت در ترکیه جشن شیرینی یا شکرپایرامی می نامند.

۴- دربار ساسانیان الگو و سرمشق معاصران بود و در قرنهای بعد به ویژه در ترکیه و دوره اسلامی هند سعی بر الگوگرفتن و تأسی به خسرو انوشیروان و آداب باشکوه دربار وی بود.

۵- آئینهای نوروزی - قدمت جشن بهار از روی ویرانه ها و آثار تاریخی ایران معلوم می شود. به گفته گزنفون در تخت جمشید «تالارهای همه ملل» وجود داشت که فرستادگان سرزمینهای خراج گزار به طرزی باشکوه از آن گذر می کردند تا هدایای خود را پیشکش شاه بزرگ کنند. به گفته چکسن در ارومیه جشن نوروز دو هفته طول می کشد و امروز با همان شور و شوق هزاران سال پیش و در انطباق دقیق با وصف «اسب جادو»ی داستان هزار و یک شب برگزار می شود. برگزاری آئین نوروزی همچون دوره پیش از اسلام با دقت و وسواس در شهر و روستاهای ایران و بخش اعظم توران از جمله افغانستان صورت می گیرد.

۶- به گفته دستور دکتر والا به نقل از شاهنامه فردوسی، جمشیدشاه فصلی به تن کردن رخت سبز درختان و اعتدال ربیعی و ورود خورشید به برج حمل را جشن سال نو برگزارید.

۷- جهانگیر که از ۱۶۰۵ تا ۱۶۲۸ بر هندوستان حکومت کرد به چندین مناسبت درباره نوروز مطالبی نوشته است.

۸- کیانیان نخستین روز از فروردین ماه را اولین روز از نوروز کیانی می دانستند. این نوروز از دوران کیخسرو یا روزگار یزگرد شهریار که آخرین شاه ایرانی بود جشن گرفته می شد. رسم بر این بود که موبد موبدان با جام زرین می به پیشگاه شاه می رفت و حلقه یا دیهیمی به شاه می داد و به ستایش او می پرداخت و از درگاه ایزد برای او برکت می خواست تا وجودش از بلایا محفوظ بماند، از آئین کیانی پاسداری کند، عمر طولانی و موفق داشته باشد و با عدالت و خرد سلطنت کند، بر دشمنان پیروز گردد و نوروز بر او خجسته باشد. پس از مراسم دعا جام شراب را به شاه تقدیم می کرد و می گفت «عمرت دراز باد و از این جام جمشید بنوش» در پایان سخن او، شاه جام را گرفته می را می نوشید. فلسفه برگزاری این مراسم این بود که معتقد بودند هرکس در آغاز سال بدان جام نگاه کند، تمامی سال را به خوشبختی و فراوانی می گذراند.

۹- گزیمیرسکی در مقدمه و تعلیقات خود بر دیوان منوچهری به تعدادی الحان و نغمات اشاره کرده است. یکی از دو خنیاگر برجسته خسرو دوم یارید و خنیاگر دیگر سرجیوس مسیحی بود. به گفته کریستن سن به

یتیمه‌الذهر ثعالبی نیز اشعاری فراوان در وصف نوروز و مهرگان آمده است.

۱۳- در عالم تشیع برگزاری آئین نوروزی را پاس می داشتند به ویژه به خاطر این عقیده که حضرت محمد (ص) در نوروز حضرت علی (ع) امام اول شیعیان و خلیفه چهارم مسلمانان را به جانشینی خود برگزیده اند.

۱۴- در میان مورخان که به زبان عربی درباره کیش زرتشت در دوران باستان تألیفاتی داشته اند می توان از حمزه اصفهانی که سیاهه کاملی از تاریخهای اسلامی که نوروز با آن تلاقی کرده به دست داده یاد کرد.

مسعودی نیز حقایق مهمی را آورده است. به گفته مسعودی خلیفه معتضد با اصلاح گاه شماری ایرانیان که به علت غفلت از افزودن روزهایی به سال، طی دو بیست و پنج سال، حدود دو ماه از تاریخ درست خود فراتر رفته بود، اقدام به اصلاح تقویم پارسیان کرد. این سال جدید اصلاح شده را نوروز معتضد نامیده اند. مطالب دیگری نیز که مسعودی ضبط کرده به خاطر دقت وی از اهمیت خاص برخوردار است و از این منظر وی در ردیف ابن ندیم [محمد بن اسحاق] و یاقوت [حموی] قرار می گیرد.

۱۵- در مجموعه های اشعار موسوم به کتاب الاغانی اشاراتی فراوان به نوروز وجود دارد که کرامر و متس به بسیاری از آنها اشاره کرده اند.

۱۶- در مصر در دوره اسلامی جشن نوروز دچار انحطاط گشته مبدل به اعمال و گفتار و شوخیهای زننده مشابه آنچه در روزهای جشن هولی در هند شنیده می شود گردید طوری که چندین شاه مصر از جمله ملک معز فاطمی برگزاری آئین نوروز را ممنوع کرد.

۱۷- کرامر بر اساس کتب السرور شرحی جالب از نوروز آورده، می گوید: خلیفه در کوشکی به مساحت ۴۰×۴۰ متر نشست و فرمان داد سرخ گلهای بغداد و ممالک آن را یکجا گرد آورند، میهمانان و خنیاگران به

نقل از عوفی یارید تعدادی ترانه بی وزن و سجع ساخته بود. ثعالبی نیز مطالبی فراوان درباره خنیا و خنیاگری ایرانی ضبط کرده است. کریستن سن افسانه یارید و اسب محبوب خسرو را در داستانی دلکش آورده است.

۱۰- یعقوبی و طبری به شرح پیشکشها و هدایایی که در نوروز داده می شد پرداخته اند. پیشکشهای اجباری آئین نامیده می شد. طبری از مرزبانها و اسپهبدان مرو، هرات، قهستان و بلخ که بی مقاومت به اسلام گرویدند و به سرکردگان عرب پیشکش نوروزی می دادند یاد کرده است.

۱۱- پروفسور کی. اینوسترانسلف در سال ۱۹۱۲ ترجمه روسی شرح خسروی از برگزاری آئین نوروزی در عصر ساسانی را همراه با منابع و مطالبی وافر و دلکش منتشر کرد و پروفسور بوگدانف دست به ترجمه انگلیسی این اثر زده است که مرجعی کلاسیک در مورد نوروز به شمار می آید.

۱۲- در دوره اسلامی نیز شعرا و مورخان و جهانگردانی که از زبان عربی برای بیان مطالب خود استفاده می کردند به توصیف نوروز و جشن مهرگان که به همان اندازه بزرگ داشته می شد پرداخته اند. این امر نشان می دهد که حتی کسانی که اسلام آورده بودند نمی توانستند در برابر طراوت این فصلی شادمانی ملی و طبیعی خویشتن داری کنند. گرچه «عمر» رسم عیدی دادن در نوروز و مهرگان را ملغی ساخت «یزید» دوباره این رسم را جاری کرد. به گفته بوهوتاری، «متوکل» نوروز را به صورتی که در زمان اردشیر بابکان برگزار می شد در آورد. با وجود اینکه ناچار به تصدیق نوشته کتاب

المحاسن والاضداد به دست جاحظ به نقل از خسروی هستیم توجه به این نکته نیز لازم است که خود او اذعان دارد گاه به منظور یافتن مشتری، کار خود را به قدمای مشهور نسبت داده است. به هر روی آثار وی گنجینه ای از اطلاعات غث و ثمین راجع به ایران زرتشتی است. در

- BUKINICH, D. D.

Starinnuy Kostyum dzhemshidov i khazard v SSSR. (1e Costume ancien des Djemchides et des Khasaras d'URSS) SOV. ETN.

Sb. ST. I (1938), PP. 118-128.

- EHRlich, R.

The celebration and gifts of Persian New Year (Nawruz)

according to Arabic Source. Modi Mem.

Vol., 1930, PP. 95-101.

- HENNINGER, J.

Les fetes du Printemps chez les Arabes et implications historiques. Revista do Museu Paulista N. S. 4 (1950), PP. 389-432.

- MARKWART, J.

Des Nauroz - Seine geschichte und Seine bedeutung. Modi Mem.

Vol., 1930, PP. 709-765.

- MOKRI, M.

Les rites magiques dans les fetes du "Dernier Mercredi de l'Annee" en Iran Melanges H. Masse, 1963, PP. 288-302.

- PATEL, MANIAL.

The Nauroz, its history and its significance. J. K. R.

Cama, or. Inst. 31 (1937), PP. 1-51.

- SHIRAZI, AGA M. KAZIM

Nauruz. Sir Asutosh Mookerjee Volumes III, I, 1922, PP. 451-457.

- TAESCHNER, F.

Das Persische Neujahrsfest, wie es heute gefeiert wird. WIN.

S. 6 (1959), PP. 113-116.

علاوه بر این، ماخذ و منابع دیگری از جمله آنها که در تدوین مقاله جشنواره‌ها و روزها در دایرةالمعارف دین و اخلاق هسینگتر آمده وجود دارد که گردآوری، تدوین و ارائه آنها مجالی دیگر می‌طلبید. در خاتمه به نظر می‌رسد عنایت به اقدامات زیر در ارتباط با نوروز و نوروز پژوهی ضروری باشد:

۱- تهیه کتابشناسی نوروز با استفاده از منابع عربی، ترکی، فارسی دری، هندی، انگلیسی، فرانسه، آلمانی، روسی، چینی، ژاپنی و...

۲- تألیف کتابی جامع با استفاده از منابع معرفی شده در اینجا و دیگر منابع راجع به نوروز خواه به صورت انفرادی خواه به صورت تألیفی از مجموعه گزارشهایی که به همایشهای موضوعی زیربط ارائه می‌گردد.

۳- گشودن باب مکاتبات و تماسهای بین‌المللی هرچه بیشتر با مراکز ایرانشناسی و اسلام‌شناسی و خاورشناسی و کتابخانه‌های ملی کشورهای دور و نزدیک از باب آشنایی و گردآوری منابع و مدارک و سیاهه کتب و مقالات زیربط. □

درهم در ارتباط با بزرگ یهودیان به میان آمده بدین معناست که هرگاه نوروز به شنبه می‌افتاد این مبلغ به او داده یا از او ستانده می‌شد. نظر پروفیسور مازندی در روایت فارسی کتاب آمده در حالیکه پروفیسور فضل‌الله که پروفیسور مارگلیوت او را بسیار ستوده است عقیده دارد این مبلغ از یهودیان ستانده می‌شد و به نظر من استنباط پروفیسور گلنزیهر نیز که در ارتباط با تحقیقات خود در زمینه تاریخ یهود این متن را بررسی کرده همین بوده است.

۲۱- اضافه بر منابع ارزشمندی که دکتر پرویز اذکاتی در کتاب ارزشمند خود «نوروز، تاریخچه و مرجع‌شناسی» آورده و جداگانه ارائه می‌شود، منابع دیگر حاوی اشارات ارزشمند به نوروز به شرح ذیل است:

- Kitab - ul - Aghani

- Thaalibi. Yatimatuddahr

- Mutannabi Dewan. (Cairo edition)

- Masudi, Kitab - ul - Tanbih - wal - ashraf

- Ignaz Goldziher, Muhammedanische studien

- Alferd Von Kremer, Culturgeschichte des Orients Unter Den Chalifen, 1877.

- Menoutohohri, Par A. de Biberstein Kazimirk, Paris 1886.

- Carl Brockelmann, Geschichte der Arabischen Literatur.

- A. V. Williams Kackson, Perian Past and Present.

- Maneckji Nusservanji Dhalla, Zorostrian.

- Jahiz. Le Livre de La Couronne (Kitab El Tadj).

- A. Mez, Die Renaissance Des Islams.

- Alf Laila.

- G. Van Vloten. Recherches sur la Domination arabe.

- Clement Huart, La Perse Antique et La Civilization Iranienne.

- Spiegel Memorial Volume.

- Arthur Christensen. L'Empire des Sassanides, le Peuple L'etat, La Cour.

- Clement Huart, History of Arabic Literature.

- Hastings, James Encyclopedia of Religion and Ethics PP. 872-5.

- The Combridge History of Iran, 1985, Cambridge. Vol. 2 P. 753 779 & PP. 787-9.

- Ancient Iranian Festivals, Thesis, Tehran University, Faculty of Literatue.

فهرست منابع و ماخذ کتاب «نوروز، تاریخچه و مرجع‌شناسی» تألیف دکتر پرویز اذکاتی:

- AJMAL KHAN, M.

Solar new year festivals. Indo - Iranica, 16iii (1963), PP. 36-49.

حضور آمدند و جشن آغاز شد. سپس خادمان شروع به ریختن گلبرگهای سرخ‌گل همراه با سکه‌های زر و سیم از کوشک شاه‌ی بر سر حصار کردند. این بارش زر و سیم از هنگام نماز پیشین تا هنگام نماز خفتن ادامه یافت.

۱۸- هرچند منوچهری قصایدی در وصف نوروز سروده است اما برای نشان دادن اقبال مسلمانان به نوروز ناچار از استناد به شعرای عرب هستیم.

مستنبی Mutannabi یکی از بزرگترین شعرای مسلمان قصیده‌ای در ستایش نوروز تقدیم وزیر رکن‌الدوله کرد. این جا حظ است که بیش از همه به تلاش در جهت سپردن تاریخچه و سرگذشت برگزاری آئین نوروز و رساندن آن به دست ما همت گماشته و کتاب التاج او که در نهایت زیبایی به همت فاضل ارجمند احمد زکی پاشا ویرایش شده چشم انتظار ترجمه است تا دست‌کم پارسیان هند بدانند چگونه می‌توان زندگی در ایران ساسانی را به کمک راهنماهای مسلمان که پاسدار آثار ادبی ایران بوده‌اند بازسازی کرد.

۱۹- هرچند روش «خسروی» در ذکر دقیق معانی واژگان فارسی کهن و فارسی میانه بدیع به نظر می‌آید اما این شیوه در میان نویسندگان عرب متداول است. با وجود آنکه جاحظ ضبط دقیق خسروی از واژه‌های فارسی را آورده کاتبان ادوار بعد چنان واژگان غیر عربی را مخدوش کردند که شناخت آنها تقریباً غیرممکن گردید. وین و اُتن و همکاران اروپایی او مانند هوسما درصدد بازسازی این اسامی برآمده‌اند. کی. اینوسترانسف که از جمله دانشمندان انگشت‌شماری است که اطلاعات عربی و اوستائی در وجود او جمع شده موفق شده است ضبط صحیح اسامی را به دست دهد. با این حال هنوز میدان برای اصلاحات بیشتر باز است و امید می‌رود ترجمه پروفیسور بوگدانف به حل برخی مشکلات کمک کند.

پس از مطالعه شرح خسروی لازم می‌دانم توجه دوستان پارسی را نسبت به جفایی که تعدادی از آنها به برادران هندی خود روا می‌دارند جلب کنم.

هروقت رسم یا عادتی برای افکار بیش از حد امروزی شده آنها، جاذبه‌ای ندارد آن را به شیوع آرمانهای جعلی هندوان نسبت می‌دهند. به عنوان مثال پخش نارگیل و شکر از رسوم پارسیان هند است که سالها رعایت شده است. در حالیکه معدودند کسانی که می‌دانند این رسم ضرورتاً از هندوان گرفته نشده و طبق شهادت خسروی از اجداد خودشان در ایران به آنها به ارث رسیده است. در واقع پیشینه این رسم کهن به اجداد مشترک دو قوم می‌رسد. همینطور است پیشینه رسم افشاندن ذرت و چیزهای دیگر که در شرح گرانسنگ خسروی آمده است.

۲۰- شرح خسروی به صورتی که به دست جاحظ (یا هرکس دیگر که مؤلف المحاسن والاضداد بوده است) نقل شده خطاها و اشتباهاتی دارد اما فهم بخشهای درست آن نیز همیشه آسان نیست. به عنوان مثال در وضعیت فعلی کتاب غیرممکن است که با اطمینان معلوم داریم ذکری که از پرداخت چهارهزار